

راه کارهای تحقق انسجام اسلامی از منظر قرآن و روایات

محمد عرفانی*

چکیده:

تحول بزرگی که در نیم قرن اخیر در عرصه مسایل سیاسی، اجتماعی و فرهنگی به وجود آمده است، مقاله حاضر به بحث در مورد ضرورت انسجام و اتحاد اسلامی و بررسی علل پیدایش تفرقه و هم‌چنین ارایه راه کارهای اتحاد از منظر قرآن و روایات اسلامی می‌پردازد. ابتدا اهمیت و ضرورت اتحاد و هم‌بستگی امت اسلامی از منظر قرآن و احادیث تبیین می‌شود. و سپس با اشاره به این واقعیت که دعوت به انسجام و اتحاد دعوتی الهی و قرآنی و تکلیف دینی برای عموم مسلمانان است، به نقش آن در اعتلا و حفظ و تقویت دین اسلام پرداخته شده و جایگاه آن در سیره قولی و فعلی پیامبر اسلام ﷺ و امام علی علیه السلام مورد توجه قرار داده می‌شود، و با بررسی ریشه‌های پیدایش اختلاف و تفرقه، پیامدهای نامطلوب آن بر سرنوشت اسلام و امت اسلامی بررسی می‌گردد. در بخش دیگری از مقاله، راه کارهای تحقق اتحاد و انسجام اسلامی و تقریب مذاهب به تفصیل بررسی می‌گردد؛ راه کارهایی مانند تکیه بر اصول مشترک اعتقادی و فقهی، توجه به حرمت تفرقه و عواقب دنیوی و اخروی آن، پرهیز از تعصب، شناخت زمینه‌های سوء تفاهم، تمسک به حبل المتین قرآن، تمسک به ولایت و محوریت اهل بیت علیهم السلام، شناخت توطئه‌های دشمنان دین در تفرقه افکنی و تضعیف اسلام، و شناخت موانع داخلی و بیرونی انسجام اسلامی. هم‌چنین، بر این نکته تأکید گردیده که توجه علمی و عملی مسلمانان به اصل استراتژیک و راهبردی «انسجام» عامل عزت و اقتدار اسلام خواهد بود.

کلید واژه‌ها: قرآن، انسجام اسلامی، تفرقه، هم‌بستگی، تقریب مذاهب، ولایت، اصول مشترک اعتقادی، سوء تفاهم.

مقدمه

انسجام و اتحاد اسلامی به عنوان دستور و رهنمودی قرآنی، عاملی مؤثر و اساسی در تقویت فرهنگی، اجتماعی و سیاسی مسلمانان، و در شکل دهی هویت جمعی آنان است، و زمینه اقتدار امت

* محقق و نویسنده.

اسلامی را در مقابل توطئه‌های تفرقه‌آمیز دشمنان دین فراهم می‌کند و مانع غلبه فرهنگ بیگانه می‌شود. استعمارگران علاوه بر انگیزه‌های ضد دینی، همواره با انگیزه‌های سیاسی به ایجاد اختلاف و تفرقه در شکل‌های گوناگون نژادی، مذهبی، ملی و... بین کشورهای اسلامی پرداخته و می‌پردازند. از این جهت، «انسجام اسلامی» هم یک آرمان و شعار اصیل اسلامی، هم یک تکلیف عملی و اجرایی و هم یک ضرورت تاریخی است که در شرایط کنونی جهان، ضرورت نخست دنیای اسلام است. وحدت و هم‌دلی بین مسلمانان موجب می‌شود تا بهتر بتوانند در مقابل توطئه دشمنان اسلام بایستند.

انسجام اسلامی باید به عنوان یک آرمان مشترک برای تمامی مسلمانان تلقی شود و هم از نظر اعتقادی و هم از لحاظ عملی مورد توجه قرار گیرد. برای مسلمانان راست‌اندیش جای هیچ‌گونه شکی نیست که دعوت به وحدت و پرهیز از تفرقه از دستورهای اکید قرآن کریم و پیشوایان دینی ماست؛ «وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا...» (آل عمران/۱۰۳).

از سوی دیگر، مشترک بودن اعتقاد به خدای واحد و پیامبر و قرآن به عنوان تنها کتاب آسمانی، و قبله و دستورات دینی واحد، و لزوم تمسک همه مسلمانان به سیره پیامبر اسلام، همگی داعی و عامل وحدت حقیقی مسلمانان به شمار می‌رود.

برای تحقق هدف مقدس تقریب مذاهب اسلامی و تشکیل جبهه متحد و مقتدر، مسلمین جهان باید موانع درونی وحدت و هم‌بستگی را شناسایی و به طور دقیق بررسی کنند و با تلاش‌های مستمر و روش‌های کارآمد آن را مرتفع سازند. از این رو شناسایی و بررسی موانع درونی وحدت مسلمین در اولویت نخست قرار دارد.

وحدت از منظر قرآن کریم

قرآن کریم ضمن دعوت مسلمین به وحدت با اعتصام به حبل‌الله و نهی از تفرقه، الفت و برادری را مبنای اتحاد و هم‌بستگی مسلمانان معرفی نموده و می‌فرماید:

«وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا.» (آل عمران/۱۰۳).

در جای دیگر، مسلمانان را به وحدت و پیروی از خدا و پیامبرش دستور داده و از تنازع و مشاجره به طور صریح نهی نموده است:

«وَ اطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا عَاقِبَتُشَلُوعًا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ» (انفال / ۴۶).

و در آیات متعدد دیگر، آنها را از تفرقه و جدایی نهی کرده است: «... أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَنَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ...» (شوری / ۱۳)؛ «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا» (آل عمران / ۱۰۵). خداوند در آیات یاد شده ابتدا به چنگ زدن به ریسمان الهی و اقامه دین فرمان داده است که نشان می‌دهد راه‌هایی از تفرقه، پیروی از دین و صراط مستقیم است. «... تَحْسَبُهُمْ جَمِيعًا وَقُلُوبُهُمْ شَتَّى ذَلِكِ بَانَ لَهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْقِلُونَ» (حشر / ۱۴). عصاره این آیه کریمه این است که افرادی که دارای مبدأ، هدف و دین مشترک‌اند، اگر دل‌هایشان در اثر اغراض و غرایز، پراکنده باشد، خردمند نیستند.

اتحاد اسلامی از منظر پیامبر اسلام ﷺ

پیامبر گرامی اسلام با الهام از تعالیم قرآن کریم، مبانی نظری و عملی اتحاد امت اسلامی را براساس باورهای توحیدی و نظام اخوت ایمانی و محبت و ایثار در راه خدا و تعاون و مشارکت در وظایف اجتماعی، بنیان‌گذاری نمود. پیامبر گرامی اسلام با تکیه بر مبانی اتحاد اسلامی، مدینه فاضله‌ای مملو از عشق و صمیمیت و برادری و ایثار و تمامی فضایل انسانی ساخت که هنوز بشریت در حسرت و آرزوی تحقق دوباره چنین جامعه‌ای به سر می‌برد.

این وحدت و برادری که در عصر رسالت به بهترین شکل در میان یاران رسول خدا ﷺ تحقق یافت، نمونه‌ای واقعی از امت واحده مورد نظر اسلام بود که متأسفانه پس از رحلت پیامبر ﷺ خیلی زود به ضعف‌گرایی و بروز اختلاف و تفرقه و تشتت و تنازع به تدریج زمینه‌ساز حرکت امت اسلامی در مسیر ذلت و انحطاط شد.

پیامبر اکرم ﷺ، منشأ ذلت و زبونی پس از عزت و سربلندی و در پی آن ضعف و سستی هر ملتی را تفرقه‌ای می‌داند که ریشه در خصومت و دشمنی دارد؛ از این رو ایجاد الفت و پرهیز از تفرقه و عداوت را بر مسلمانان واجب دانسته و می‌فرماید:

«ما ذل قوم بعد العزحتى ضعفوا، و ما ضعفوا حتى تفرقوا و ما تفرقوا حتى تباغضوا الواجب علی اولیائنا معاودة الائتلاف و رفض الاختلاف.» (واعظ زاده خراسانی، ۱۳۷۳، ص ۱۹۵).

خداوند در قرآن کریم وحدت بر محور رهبری خدا و رسول و جانشینان او را عامل حفظ همبستگی و اتحاد مردم معرفی می‌کند. حتی در سوره انفال، پی آمد فاصله گرفتن از پیامبر ﷺ و رهنمودهای حیات‌بخش آن حضرت را موجب بروز اختلاف و تشتت و خواری مردم قلمداد می‌کند و با تأکید بیشتری بر عامل همبستگی پای می‌فشارد و می‌فرماید: «از خدا و پیامبرش اطاعت کنید و

نزاع و کشمکش نکنید تا سست و ضعیف شوید، در این صورت قدرت و شوکت شما از میان می‌رود، بلکه در پاسداری از هم‌بستگی و اطاعت از فرمان پیامبر صبر و استقامت ورزید که خدای سبحان به همراه استقامت کنندگان است.» رسول اکرم ﷺ می‌تواند از این جهت نیز برای همه مسلمانان بهترین الگو باشد و به عنوان محور وحدت و هم‌بستگی مسلمانان برکات و آثار فراوانی را برای آنان به ارمغان آورد (بروجردی، ۱۳۷۵):

«لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ» (احزاب / ۲۱).

امام علی رضی الله عنه در فرازی از خطبه قاصعه به دلایل پیروزی و شکست و عزت و ذلت گذشتگان پرداخته و می‌فرماید: «پس آن گاه که در زندگی گذشتگان مطالعه و اندیشه می‌کنید، عهده‌دار چیزی باشید که عامل عزت آنان بود و دشمنان را از سر راهشان برداشت و سلامت و عافیت زندگی آنان را فراهم کرد و نعمت‌های فراوان را در اختیارشان گذاشت و کرامت و شخصیت به آنان بخشید، که از تفرقه و جدایی اجتناب کردند و بر وحدت و هم‌دلی همت گماشتند و یک‌دیگر را به وحدت واداشته و به آن سفارش کردند، و از کارهایی که پشت آنها را شکست، و قدرت آنها را در هم کوبید، چون کینه‌توزی با یک‌دیگر، پر کردن دل‌ها از بخل و حسد، به یک‌دیگر پشت کردن و از هم بریدن و دست از یاری هم کشیدن، بپرهیزید.

آن حضرت هم‌چنین اتحاد و هم‌دلی را مدار خیر و اختلاف و کینه‌ورزی را محور شرّ معرفی نموده و می‌فرماید:

«فَإِيَّاكُمْ وَالتَّلَوْنَ فِي دِينِ اللَّهِ فَإِنَّ جَمَاعَةً فِيمَا تَكْرَهُونَ مِنَ الْحَقِّ خَيْرٌ مِنْ فُرْقَةٍ فِيمَا تَحِبُّونَ مِنَ الْبَاطِلِ وَإِنَّ اللَّهَ سَبْحَانَهُ لَمْ يُعْطِ أَحَدًا بِفُرْقَةٍ خَيْرًا مِمَّنْ مَضَىٰ وَلَا مِمَّنْ بَقِيَ» (نهج البلاغه، خطبه ۱۷۶).

از این سخن بلند، نه تنها سودمندی اتحاد و زبان‌باری اختلاف استفاده می‌شود، بلکه استمرار سنت الهی در گذشته و حال و آینده نیز معلوم خواهد شد؛ زیرا اساس فیض الهی بر وحدت و جماعت پی‌ریزی شده و هیچ‌گونه خیری در تفرقه و کثرت‌گرایی نامعقول نمی‌باشد.

آن حضرت در جایی دیگر، امت اسلامی را از تفرقه بر حذر داشته و عزت و پیروزی و خیر جامعه را در سایه وحدت قابل دست‌یابی می‌داند:

«وَالرُّمُومَا السَّوَادَ الْأَعْظَمَ فَإِنَّ يَدَ اللَّهِ مَعَ الْجَمَاعَةِ وَإِيَّاكُمْ وَالفُرْقَةَ فَإِنَّ الشَّادَّ مِنَ النَّاسِ لِلشَّيْطَانِ كَمَا أَنَّ الشَّادَّ مِنَ الْغَنَمِ لِلذَّبِّ» (پیشین، خطبه ۱۲۷).

به تعبیر آن حضرت، دست عنایت و حمایت و نصرت خداوند، با جماعت متحدان است، باید سواد اعظم و امت منسجم و هماهنگ اسلامی را حفظ نمود و هیچ مسلمانی نباید چون گوسفند وامانده از

گله باشد، که از حفاظت چوپان، محروم است، زیرا هر لحظه ممکن است طعمه گرگ قرار گیرد. از این رو بر همه مسلمانان لازم است از صفوف به هم فشرده مسلمین فاصله نگیرند تا از آسیب شیطان و دشمنان اسلام در امان بمانند.

پیامدهای تفرقه و اختلاف نامقدس

آثار وحدت همه خیر و سرشار از برکت و رشد است و نشانه دین مداری و عقل‌گرایی یک جامعه شمرده می‌شود، ولی پی‌آمد تفرقه و اختلاف همواره نامقدس و شوم و زیان‌بار است. در این‌جا به برخی از این پیامدها اشاره می‌نماییم:

۱. زوال قدرت و شوکت امت اسلامی

قرآن کریم به صراحت به آثار شوم و زیان‌بار تفرقه اشاره نموده و می‌فرماید: «وَاطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا عَواْفَتُمْشُلُوا وَتَذْهَبَ رِيْحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ» (انفال/۴۶).
جدال و اختلاف، کیان و شخصیت جامعه اسلامی را منهدم می‌کند. ایمان، اساس دوستی و وداد و ولاء مؤمنان است. (مطهری، ۱۳۸۰، ص ۲۶۳-۲۶۴).

نتیجه تلاش اختلاف‌کنندگان، خواه دو فرد یا دو گروه، از بین بردن قدرت طرف مقابل و هدر دادن توان خود برای مقابله با قدرت طرف مخالف است. بنابراین، اختلاف‌گران بر نابودی قدرت یک‌دیگر اتفاق دارند و همین امر، موجب زوال قدرت و شوکت جامعه خواهد شد. قرآن می‌فرماید: با یک‌دیگر نزاع نکنید؛ چون تنازع موجب ضعف و سُستی شما می‌شود و با آمدن «فَسَلِّ» و ضعف، عزت و شکوهتان از بین می‌رود. بنابراین، گرچه حفظ وحدت و تفرقه‌شکنی کار بسیار دشواری است، اما شما این دشواری را تحمل کنید؛ چون خدا با صابران است و سرانجام در سایه صبر و استقامت، موفق خواهید شد.

این آیه شریفه رابطه معقول بین اختلاف و تفرقه و نفوذ ضعف و تزلزل در جبهه اسلام و مسلمین را نمایان می‌سازد؛ به این ترتیب که بر اساس قواعد و ضوابط انکارناپذیر مبتنی بر عقل و خرد، تضاد و تعارض و چند دستگی با وحدت و یک‌پارچگی در نقطه مقابل و مخالف یک‌دیگر قرار دارند و نمی‌توان پذیرفت که اهل اختلاف و تفرقه در همان حال که متفرق و پراکنده می‌باشند، متحد و یک‌پارچه باشند!

اصل عقلانی ضعف و تزلزل ناشی از اختلاف و تنازع هرگز منحصر به ملت‌های مسلمان جهان

نمی‌شود، بلکه که هر ملتی را در هر زمان و مکان و با هر مذهب و ایده و آرمان فرا می‌گیرد و به طور طبیعی تفرقه‌ها و چند دستگی‌ها و تعارض و تنازع حاکم در میان آنها، تزلزل و ضعف و ناتوانی و شکست را نتیجه می‌دهد و از قدرت و توان‌مندی‌ها می‌کاهد و مانع رشد و بالندگی و پیشرفت و عظمت می‌گردد. ملت‌های مسلمان جهان که دارای پیامبر خاتم و دین جامع و کامل می‌باشند، در عمل به این عقلانیت منطبق بر دیانت سزاوارتر از دیگران می‌باشند.

۲. ذلت و بردگی

شهید مطهری تفرقه را به عنوان یکی از عوامل اساسی و مؤثر در انحطاط مسلمانان در عصر حاضر شمرده و می‌نویسد:

«در قرآن مجموعاً به چهار عامل مؤثر در اعتلاها و انحطاطها برمی‌خوریم: الف - اتحاد و تفرق: در سوره آل عمران آیه ۱۰۳ دستور صریح می‌دهد که بر مبنای ایمان و گرایش به ریسمان الهی متحد و متفق باشید و از تفرق و تشتت بپرهیزید...» (مطهری، ۱۳۷۹، ص ۲۳۶).

«در جای دیگر می‌فرماید: «وَلَا تَنَازَعُوا عَواصِمَهُمْ وَأَتَّهَبُوا رِيحَهُمْ؛ با یک‌دیگر نزاع نکنید و اختلاف نداشته باشید که سست و ضعیف خواهید شد و خاصیت خود را از دست خواهید داد.» (انفال / ۴۶) جدال و اختلاف، کیان و شخصیت جامعه اسلامی را منهدم می‌کند.» (مطهری، ۱۳۸۰، ص ۲۶۳-۲۶۴).

«اسلام و مسلمان بودن فقط در جهان بینی درست و ادای فرایض عبادی مانند نماز خلاصه نشده بلکه پای‌بندی به رمز عزت مسلمین و رهایی از ذلت، یعنی ترک خصومت و اختلاف، نیز از شرایط مهم مسلمانی است.

چرا ما مسلمان‌ها دلیل هستیم؟ خیال می‌کنیم همین قدر که ما اذان و اقامه گفتیم بنابراین مسلمان کامل هستیم، در حالی که اسلام دستورهای دیگری هم دارد. از مهم‌ترین دستورهای اسلام همین دستور روابط خاص اجتماعی میان ما مسلمین است، به اندازه‌ای که ما مسلمین خودمان علیه یک‌دیگر فعالیت می‌کنیم دشمنان علیه ما فعالیت نمی‌کنند.» (مطهری، ۱۳۷۸، ص ۲۰۱).

قرآن می‌خواهد جامعه مسلمانان برتر از دیگران باشد:

«وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (آل عمران / ۱۳۹).

ایمان، ملاک برتری قرار گرفته است؛ زیرا منشأ وحدت و رکن شخصیت و تکیه‌گاه استقلال و موتور حرکت جامعه اسلامی است. نزاع و اختلاف، عامل انهدام کیان و شخصیت جامعه اسلامی است:

الف - اختلاف در زمینه مسایل اجتماعی و روابط عمومی؛ مانند اختلاف در قوانین تجاری و غیر تجاری. این اختلاف اگر حل نشود، موجب هرج و مرج در جامعه است.

ب - اختلاف در چگونگی بهره‌برداری از مواهب طبیعی؛ مثلاً شخصی نوعی از بهره‌برداری را حلال بداند و دیگری حرام یا برعکس. این اختلاف به وحدت اجتماع آسیب می‌رساند و کسی می‌تواند این اختلافات را حل نماید که در مقام ثبوت، از اشتباه مصون و در مقام اثبات، مورد پذیرش مردم باشد.

ج - اختلاف در امور دینی: پیامبران الهی، چون فرستاده خدا هستند و برای اثبات ادعای خود معجزه آورده‌اند، از خطا و اشتباه مصون‌اند و چون پیام آنان مطابق با واقع و هماهنگ با فطرت مردم است، مورد پذیرش هستند. از این‌رو، آنان می‌توانند محورهای سه‌گانه اختلاف را حل کنند و مردم را به اتحاد در بینش و منش دعوت نمایند. (جوادی آملی، ۱۳۸۰، ص ۱۸۵).

۳. سلطه شیطان

حضرت علی علیه السلام پس از جنگ با ناکثین و مارقین همگان را به انقیاد و اتحاد همگانی که همان راه انبیاست دعوت کرد و از پیروی گام‌های شیطان نهی فرمود؛ زیرا شیطان، دشمن آشکار است و قدم‌های او برای افراد، زبان‌بار است (هم‌بستگی امت اسلامی، معاونت فرهنگی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، ص ۱۴۸):

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السِّلْمِ كَافَّةً وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ» (بقره/۲۰۸).

سیاست شیطان گام به گام است؛ او آهسته و پیوسته می‌آید و وسوسه می‌کند تا گوهر تابناک ایمان مؤمن را بزدايد و او را بی‌آبرو و در نهایت، کافر و گمراه کند. از این آیه استفاده می‌شود که اختلاف و تفرقه، یکی از راه‌های شیطان است؛ زیرا صدر آیه، مؤمنان را به اتحاد و انقیاد همگانی دعوت می‌کند و ذیل آیه، از پیروی راه‌های شیطان، نهی می‌کند. (حسینی، شماره ۶۰).

سبب فاعلی افکار و الهامات نورانی و خیر، فرشتگان‌اند: «... تَنْزِيلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ...» (فصلت/۳۰)؛ همان‌گونه که عامل القائل باطل و انحرافی شیطانی، شیطانی‌اند: «وَإِنَّ الشَّيَاطِينَ لَيُوحُونَ إِلَىٰ أَوْلِيَائِهِمْ لِيُجَادُواكُم...» (انعام / ۱۲۱).

بنابراین، فکر ایجاد اختلاف، فکری شیطانی است؛ چون راه شیطان، در برابر صراط مستقیم و وحی و برهان است:

«وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السَّبِيلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَن سَبِيلِهِ...» (انعام / ۱۵۳).

برای تشخیص حق از باطل و خیر از شر در مقام نظر و اندیشه یا در مقام عمل و انگیزه، باید از میزان وحی و عقل سالم مطابق با میزان الهی استفاده کرد و هرچه را که مطابق عقل و وحی بود حق شمرد و غیر آن را، القا و وسوسه شیطان دانست. قرآن کریم، بارها مؤمنان را از پیروی گام‌های شیطان، در مسایل فردی و اجتماعی، نهی کرده است.

امیرالمؤمنین علیه السلام نیز عامل اختلاف، تشّت و پراکندگی را خُبثِ سریره و زشتی باطن دانسته است. «وَإِنَّمَا أَنْتُمْ إِخْوَانٌ عَلَى دِينِ اللَّهِ مَا فَرَّقَ بَيْنَكُمْ إِلَّا خُبْثُ السَّرَائِرِ وَ سُوءُ الضَّمَائِرِ؛ هَمَانَا شَمَا بَرَادِرَانِ دِينِي هَسْتِيدُ وَ چيزی جز خبائث درونی و بدی باطن، بین شما جدایی نینداخته است. (نهج البلاغه، خطبة ۱۱۳).

استراتژی تفرقه افکنان

برخی از افراد مغرض یا ساده‌اندیش تلاش خود را برای از بین بردن وحدت اجتماع متمرکز می‌کنند و روش آنها مانند شیطان، گام به گام است. اینان مرحله به مرحله و خاکریز به خاکریز برای نابودی وحدت جامعه پیشروی می‌کنند و یک به یک تمام چیزهایی را که افراد جامعه را به دین پیوند داده است و باعث ایجاد وحدت شده است، از کار می‌اندازند.

حضرت علی علیه السلام درباره استراتژی تفرقه‌جویان می‌فرماید:

«إِنَّ الشَّيْطَانَ يَسْتَيُّ لَكُمْ طُرُقَهُ وَيُرِيدُ أَنْ يَحُلَّ دِينَكُمْ عَقْدَةً وَعَقْدَةً وَيُعْطِيكُمْ بِالْجَمَاعَةِ فُرْقَةً وَ بِالْفِرْقَةِ الْفِتْنَةَ؛ شیطان راه‌های خویش را برای شما آسان جلوه می‌دهد و می‌خواهد پیمان دین شما را گره گره بگشاید و به جای جمعیت و هماهنگی تفرقه اعطا کند و با تفرقه به شما فتنه بدهد» (پیشین، خطبه ۱۲۱)؛ در چنین حالی باید به نصیحت خیرخواهان گوش داد و آن را به جان پذیرفت.

استاد جوادی آملی در مورد فلسفه وجود اختلافات تکوینی و فکری از نظر قرآن کریم، می‌نویسد: «جمله «لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِيمَا اخْتَلَفُوا» (بقره / ۲۱۳) اشاره به این دارد که چون اگر وحدت انسان‌های اولی محفوظ می‌ماند و در جهان بینی، ملکات نفسانی و امور فردی و اجتماعی اختلاف نمی‌کردند، اولاً: آوردن این جمله لغو بود؛ چون اختلافی نداشتند. ثانياً: نیاز به نزول مجموعه قوانین به نام کتاب نبود. پس، باید اختلافی بین آنان باشد تا زمینه بعثت انبیا و نزول کتاب فراهم آمده باشد.

شاهد خارجی: آیه «وَمَا كَانَ النَّاسُ إِلَّا أُمَّةً وَاحِدَةً فَمَا اخْتَلَفُوا وَلَا كَلِمَةً سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ لِقُضِيِّ بَيْنَهُمْ فِيمَا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ.» (یونس / ۱۹) که تصریح به اختلاف قبل از وحی دارد.

این اختلاف اول، ممدوح و مقدّس است، مگر آن‌که به ظهور حق منتهی نشود که در آن صورت مذموم است.» (جوادی آملی، ص ۱۱۰ و نهج البلاغه، خطبه ۱۲۷).

اختلاف نامقدّس در دین

قرآن کریم به صراحت به یکی از مهم‌ترین عوامل تفرقه اشاره کرده و می‌فرماید: «... وَمَا اخْتَلَفَ فِيهِ إِلَّا الَّذِينَ أُوتُوهُ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ...» (بقره / ۲۱۳).

از این آیه استفاده می‌شود که اختلاف در دین، ریشه فطری ندارد، بلکه مستند به بغی و تعدی از حدود و مقرّرات فطرت است؛ زیرا دین الهی مطابق فطرت است و هرگز از ناحیه دستگاه آفرینش، تغییر و اختلافی در فطرت وجود ندارد. قرآن هم‌چنین در آیات دیگر منشأ اختلاف در دین را بغی و سرکشی و خود محوری برخی از عالمان دینی دانسته است: «... وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ... وَمَا تَفَرَّقُوا إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ...» هرگز در دین تفرقه و اختلاف مکنید... و مردم در دین، راه تفرقه و اختلاف نیمودند؛ مگر پس از آن‌که علم و برهان از جانب حق بر آنها آمد؛ آن‌هم به صرف حسادت و برتری‌جویی میان یک دیگر.» (شوری/۱۳-۱۴).

مردم در برابر دعوت پیامبران الهی دو گروه‌اند: گروهی که آن‌را می‌پذیرند و گروهی دیگر که آن‌را انکار می‌کنند. آنان که نبوّت انبیا و وحی الهی را نپذیرفتند و آن‌را اسطوره یا افسانه پنداشتند، کافر نام دارند و از دایره بحث بیرون‌اند؛ اما کسانی که نبوّت انبیا را پذیرفته، معجزه را نشانه صدق ادعای آنان دانستند، درباره دین و متن کتاب، دو دسته شدند: گروهی که به وحی الهی ایمان آوردند و گروهی دیگر که به انکار آن روی آوردند.

گاهی منشأ اختلاف در دین، جهل، نسیان یا غفلت اختلاف‌کنندگان نیست؛ چون این عوامل، قابل عفو و اغماض بوده و موجب وعید الهی نیست، بلکه منشأ اصلی اختلاف در دین، ظلم، حسد و ریاست‌طلبی برخی از منسوبان به دین، مانند عالمان سوء است؛ چنان‌که قرآن می‌فرماید: «شکی نیست که یکی از عوامل اختلاف و تفرقه‌انگیزه‌های جاه‌طلبانه و هوی‌پرستانه می‌باشد.» (یونس/۱۹). عده‌ای از بدو تاریخ تاکنون برای آن‌که موقعیتی کسب کنند و در جامعه روح‌جاه‌طلبی خود را ارضا نمایند حق و باطل را درهم آمیخته و در نتیجه، مکتب و مذهب خاصی را به وجود می‌آورند، آن‌گاه مردم ساده دل و بی‌اطلاع و یا سودجو و مقرض نیز از آنان پیروی کرده عامل بقای آن مذهب می‌شوند، به خصوص اگر دولت‌ها و یا عوامل بیرونی نیز از آنها حمایت کنند. قرآن، اختلاف در دین را که موجب پیدایش مکتب‌های گوناگون می‌شود، تنها از ناحیه عالمان

بی تقوا و مشایخ سوء می‌داند: «... وَمَا اخْتَلَفَ فِيهِ إِلَّا الَّذِينَ أُوتُوهُ...» (بقره / ۲۱۳). گرچه اختلاف در امور دنیوی و شئون زندگی می‌تواند در همگان پدید آید، ولی اختلاف علمی و تفرقه در دین، اختصاص به عالمان دارد.

از این رو، قرآن کریم اختلاف مردم عادی در شئون زندگی را مورد عقاب قرار نمی‌دهد؛ چون اولاً: منشأ آن، جهل، نسیان و غفلت است؛ ثانیاً: با راهنمایی انبیا و وارثان آنان قابل حلّ است؛ ولی اختلاف دانشمندان بی تقوا در متن دین، چون از روی علم و عمد است و منشأ آن بغی و سرکشی و حسادت آنان می‌باشد، قابل اغماض نیست، بلکه مایه عقاب و عذاب الهی می‌باشد: «إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَظْلِمُونَ النَّاسَ وَيَبْغُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ» (شوری / ۴۲).

بنابراین، اتحاد و اجتماع، گرچه از نظر طبیعی برای انسان سخت و تلخ است، اما این تلخی بهتر از شیرینی کاذب اختلاف است. حضرت علی علیه السلام بر اساس وحی الهی، نه طبق تجربه و تاریخ، قاطعانه می‌فرماید: «اگر کسی در این خیال است که با اختلاف، به نامی یا مقامی برسد، بداند که خداوند هیچ کس را، نه در گذشته و نه در آینده، با تفرقه افکنی خیر نداده است: «فَيَا كُمْ وَ التَّلَوْنُ فِي دِينِ اللَّهِ فَإِنَّ جَمَاعَةً فِيمَا تَكْرَهُونَ مِنَ الْحَقِّ خَيْرٌ مِنْ فِرْقَةٍ فِيمَا تَحِبُّونَ مِنَ الْبَاطِلِ وَإِنَّ اللَّهَ سَبْحَانَهُ لَمْ يُعْطِ أَحَدًا بِفِرْقَةٍ خَيْرًا مِمَّنْ مَضَى وَلَا مِمَّنْ بَقِيَ» (نهج البلاغه، خطبه ۱۷۶).

راه کارهایی برای تقریب بین مذاهب اسلامی

در چنین شرایطی که نخبگان و عالمان، نسبت به وحدت اسلامی حساسیت لازم را ندارند و مردم را به درستی ارشاد و هدایت نمی‌کنند و عوامل تفرقه نیز فضا را برای انجام اقدامات خود آماده می‌بینند، تحقق کامل وحدت اسلامی دشوار می‌باشد.

اگر وحدت اسلامی به حکم عقل و شرع ضرورت دارد و برای ایستادگی در برابر دشمنان اسلام و مسلمین گریزی از آن نیست، باید به اصولی پای‌بند بود که در این جا به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۱. تکیه بر اشتراکات مذهبی

مسلمانان دارای یک کتاب آسمانی، یک پیامبر و یک قبله گاه هستند و اعتقادات دینی آنان یکسان است. عقل و شرع اقتضا می‌کند که بر مشترکات فراوان تکیه شود و از برجسته کردن اختلافات جزئی پرهیز گردد. مسلمانان از هر فرقه و مذهبی می‌توانند با شعار توحید و زیر پرچم «لا اله الا الله» گرد هم آیند و در عین کثرت و تعدد، وحدتی مثال زدن خلق نمایند.

۲. پرهیز از دامن زدن به اختلافات

وجود اختلاف بین پیروان مذاهب گوناگون امری طبیعی است، بحث و تبادل نظر علمی درباره آنها هم مسئله‌ای عادی است، اما اختلافات بیش از آن که در اصول باشد، در فروع است و نمی‌تواند و نباید مانع وحدت امت اسلامی شود. مطرح کردن مسایل اختلافی و دامن زدن به آنها در بین پیروان مذاهب و در فضاهای غیرعلمی، نه تنها مشکلی از مشکلات امروز مسلمانان را حل نخواهد کرد، بلکه روز به روز فاصله آنها را از یکدیگر بیشتر خواهد نمود.

۳. حفظ حرمت یکدیگر

افزون بر مقدسات مشترکی که همه مسلمانان از آن برخوردارند، برخی مذاهب دارای بعضی اعتقادات مختص به خود هستند. پیروان مذاهب اسلامی نباید مقدسات یکدیگر را مورد هتک و اهانت قرار دهند و به تحریک یکدیگر بپردازند. اگر پیروان اسلام حرمت یکدیگر را نگاه ندارند، دشمنان قسم خورده آنها به مقدسات مشترک همه مسلمانان، مثل قرآن کریم، رسول اکرم ﷺ و اماکن مقدس آنان اهانت می‌کنند. مسلمانان تا زمانی که به مقدسات و دستورات دین اسلام اعتقاد داشته و به قوانین و احکام آن عمل می‌کردند، نسبت به یکدیگر با وحدت و برادری رفتار می‌کردند؛ در نتیجه، با عرضه داشتن واقعیت دین اسلام بر اساس منطق و استدلال و دور بودن از هر نوع تحمیل عقیده، پیش از همه چیز توانستند اندیشه و عقول انسان‌ها را فتح نموده و به پیشرفت‌های زیادی در سطح بین‌المللی دست یابند.

به راستی چرا در دو دهه اخیر دامنه اهانت به مقدسات مسلمانان گسترش یافته است؟ چرا هر از چند گاهی در گوشه‌ای از دنیا مقدسات مسلمانان مورد هتک قرار می‌گیرد و پس از مدتی تعدادی از مسلمانان از خود حساسیت نشان داده و مسئله به فراموشی سپرده می‌شود؟ آیا جز این است که راه هتک حرمت مسلمانان گشوده شده و آنان حساسیت لازم را از خود نشان نمی‌دهند؟ اگر در نخستین حلقه از این حلقات عکس‌العمل مناسب نشان داده می‌شد، حلقات دیگر این زنجیره ادامه نمی‌یافت. اگر مسلمانان مقدسات یکدیگر را محترم شمرده و اختلافات خود را کاهش دهند، چنین فرصتی برای دشمنان مشترک مسلمانان فراهم نمی‌شود. تأسف بارتر آن که برخی بیش از آن که نسبت به هتک مقدسات اسلامی از خود حساسیت نشان دهند، نسبت به مسایل عادی مذهبی و جزئی عکس‌العمل‌های تند نشان می‌دهند.

۴. تعقل و عاقبت اندیشی

آزاد اندیشی و صبر و متانت نیروهای مقید به «دیانت» و «عقلانیت» از هر دو مذهب شیعه و سنی و خودداری آنان از حرکات و عملکردهای نامشروع و نامعقول و مبتنی بر احساسات و تعصب‌ورزی‌های کور، بشارت‌دهنده شکل‌گیری بیشتر و بهتر شیرازه‌های اتحاد مذاهب اسلامی و خنثی شدن توطئه‌های قدرت‌های استکباری در ایجاد تفرقه و تنازع در جهان اسلام است. امروزه برخی از احزاب و گروه‌ها در عین ادعای پای‌بندی به اسلام، به قدرت‌های استعماری غرب متصل می‌باشند و با قتل و کشتار و تخریب اماکن مقدسه در صدد به راه انداختن جنگ شیعه و سنی با هدف فرسایش نیروهای اسلام و از هم پاشیدگی صفوف متحد مسلمانان و ایجاد زمینه‌های مناسب به منظور بسط سلطه جبهه کفر جهانی می‌باشند. وحدت و انسجام اسلامی بزرگ‌ترین آرمان همه امت اسلام است. در سایه وحدت مذاهب اسلامی، تمدن و شکوه و عظمت اسلام و قدرت و عزت مسلمانان به تمامی نمایان گردیده و تداوم می‌یابد.

۵. پرهیز از تعصب

پیامبر اسلام ﷺ می‌فرماید: «کسی که تعصب بورزد یا نسبت به وی تعصب بورزند، حلقه ایمان را از گردن خویش باز کرده است.» (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ص ۸).

این روایت دارای نکات آموزنده و ارزنده‌ای است که در ذیل به برخی از آنها اشاره می‌شود:
الف - تعصب یعنی اصرار بدون دلیل برای انجام یا ترک موضوعی که منشأ آن جهل و نادانی است.

ب - کسی که متعصب است و به عقل و استدلال توجه نمی‌کند، ایمان ندارد؛ زیرا ایمان ریشه در عقلانیت و آگاهی دارد. مسلمان تا زمانی که در دایره تعصب و جهل گرفتار است مزه و حقیقت ایمان را نخواهد چشید.

تعصب گاهی در امور دینی است و گاهی در امور اجرایی و کاری. مسلمان و مؤمن مکلف به حرکت و تلاشی است که ریشه در عقلانیت و تدبیر دارد و از همه راه‌های رسیدن به علم و پژوهش استفاده می‌کند و بدون پشتوانه علمی حرکتی را آغاز نمی‌کند.

ج - تعصب آغاز تفرقه و پایان هم‌دلی و اتحاد است. اگر به حرف و استدلال اهل نظر توجه نشود و در تصمیم‌گیری‌ها از آنان و فکرشان استفاده نشود، به طور قطع وحدت و هم‌دلی به دست نمی‌آید و این ضایعه بزرگی خواهد بود.

د - ما مکلف هستیم نه خودمان متعصب باشیم و نه اجازه بدهیم دیگران به ما تعصب داشته باشند. به عبارت دیگر، ما نباید اجازه دهیم دیگران از ما بت بسازند، خواه یک فرد سیاسی باشیم، یا مذهبی یا از هر صنف دیگر.

تاریخ، از افراد زیادی نام برده که به وسیله اطرافیان منحرف شدند. اگر کسانی که ادعای مهدویت کردند، افراد جاهل تر از خودشان آنان را تصدیق نمی کردند، دچار گمراهی های بزرگ نمی شدند. پس تعصب یعنی اصرار بر جهل و عدم توجه به منطق و استدلال، و مایه سقوط فرد و جامعه خواهد بود، خواه این تعصب مذهبی باشد یا قومی، سیاسی، حزبی و...

امام علی علیه السلام در این باره می فرماید: «هیچ کس را نیافتم که بدون علت درباره چیزی تعصب بورزد، جز با دلیلی که با آن نا آگاهان را بفریبید... جز شما! زیرا درباره چیزی تعصب می ورزید که نه علتی دارد و نه سببی... پس اگر در تعصب ورزیدن ناچارید، برای اخلاق پسندیده... تعصب داشته باشید...» (بطحای، ۱۳۷۹، ص ۱۳۵).

در این روایت چند نکته دارای اهمیت است:

۱- عده ای خود را به تعصب می زنند تا بتوانند آدم های جاهل و نادان را بفریبند و از این طریق افکار شیطانی خود را عملی سازند؛

۲- عده ای بی دلیل متعصب بوده و بازیچه دیگران قرار می گیرند، اما امید نجات دارند، زیرا بر تعصب خود آگاه نیستند و قصد به انحراف کشیدن دیگران را هم ندارند.

۳- تعصب در امور خیر و اخلاق پسندیده، جایز است. این نوع تعصب به معنی غیرت است که پسندیده و شایسته و همراه با شعور و آگاهی است.

در دین اسلام، ملیت و قومیت هیچ اعتباری ندارد و اسلام به همه ملت ها و اقوام مختلف جهان با یک چشم نگاه می کند و از آغاز نیز دعوت اسلامی به مکتب و قوم خاص اختصاص نداشته است و همیشه اسلام کوشیده است با وسایل مختلف، ریشه ملت پرستی و تفاخرات قومی را برکند. در قرآن هیچ خطابی به صورت «یا ایها العرب»، «یا ایها القرشیون» نیامده است... (صاحی، ۱۳۸۲، ص ۶). اسلام نه تنها به این تعصبات احساس آمیز توجهی نکرد بلکه به شدت با آنان مبارزه کرد. (مطهری، ۱۳۸۳، ص ۶۲-۶۸).

از علت های پیشرفت علمی سریع اسلام و ایجاد تمدن عظیم و با شکوه اسلامی، وجود روحیه تساهل مسلمین و پرهیز از تعصبات و درگیری های قومی و نژادی بود.

تبعیضات نژادی و تفاخرات قومی که بر ضد اصل مسلم مساوات اسلامی بود، ضربه مهلکی بر

پیگر اسلام وارد ساخت. سیاست اموی‌ها بر اصل تفوق عرب بر غیر عرب منشأ اصلی تجزیه حکومت اسلامی، به حکومت‌های کوچک بود. (پیشین، ص ۴۰۳).

۶. تمسک به ولایت و امامت اهل بیت

یکی دیگر از شیوه‌های حفظ وحدت و هم‌بستگی، تمسک به ولایت و امامت اهل بیت است. پیامبر اسلام با نگاه آسیب شناسانه گرایش و تمسک به قرآن و اهل بیت را عامل نجات و هدایت و کنار گذاشتن هر دو یا یکی از این دو گوهر گران‌بها را عامل گمراهی معرفی نموده است. بنابراین، امت اسلامی تا وقتی که به این دو حبل متین تمسک نماید به حقیقت اسلام و وحدت نزدیک خواهد بود.

عشق به اهل بیت، و الگوبرداری از سیره فکری و اخلاقی و رفتاری آنان، از مؤلفه و نشانه‌های اتحادگرایی راستین است. امام باقر در تفسیر آیه «به ریسمان الهی تمسک کنید و پراکنده نشوید» (طباطبایی، ۱۳۹۳، ص ۳۴۵). می‌فرماید: «آل محمد ﷺ همان حبل الله متین است که خداوند امر کرده مردم به آن تمسک کنند و امام کاظم فرمود: علی بن ابی طالب ﷺ همان حبل الله متین است.» (موثقی، ۱۳۷۱، ص ۱۰۹).

در برخی روایات دیگر، حبل الله به قرآن تفسیر شده است.

ترغیب به گردآمدن امت اسلامی حول رهبری آل محمد ﷺ، یکی از شیوه‌های قرآنی است که آنان را از تفرقه و تشتت دور نگه می‌دارد و به وحدت و یک‌پارچگی نزدیک می‌کند. حضرت فاطمه زهرا ﷺ در این باره فرمود: «خداوند متعال اطاعت ما اهل بیت را مایه نظم و آرامش، و امانت و رهبری ما را برای جلوگیری از تفرقه، و جهاد را برای حفظ عزت اسلام قرار داد.» (حکیم، ص ۱۳۷).

آیات تطهیر، مودت ذی القربی، اکمال، ابلاغ، منزلت، مباحله و هل اتی بیان‌گر همین شیوه قرآن درباره هم‌بستگی بر حول محور محمد و آل محمد ﷺ است. اگر ما بتوانیم اهل بیت را به عنوان الگوهای ممتاز انسانیت و مروجان کامل‌ترین معارف بشری در عرصه جامعه مطرح نموده و به عموم شناسانیم، نوعی وحدت و هم‌بستگی ارزشمندی تحت پرچم اهل بیت در میان پیروان و مشتاقان فضیلت و کرامت ایجاد خواهد شد.

خداوند متعال درباره محوریت ارزش‌های الهی و رهبری پیامبر اسلام و اولیای خدا می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! پیامبر خدا و کسانی را که از میان شما صاحبان امر هستند، اطاعت

کنید و هر گاه در موضوعی اختلاف داشتید، به خدا و رسول عرضه کنید و از آنان داوری بخواهید».(نساء/۵۹).

۷. شناخت ترفندها و اقدامات دشمنان اسلام

با نگاه به حوادث و مسایل جهانی به روشنی در می‌یابیم که دشمنان اسلام درصدد آن‌اند که از راه‌های مختلف، اسلام و امت اسلامی را تضعیف کنند. از جمله متداول‌ترین شیوه‌های آنان ایجاد تفرقه در میان جوامع اسلامی است. از بین بردن یک‌پارچگی و انسجام مسلمانان، هم به تضعیف فرهنگ اسلام در جهان معاصر می‌انجامد و هم نیروی بالقوه انسانی و سیاسی آنان را در تأثیرگذاری، دچار فترت و ضعف می‌نماید و امکان بهره‌مندی آنان از این نیروی عظیم را سلب می‌کند.

در دوره‌های گوناگون تاریخ، دشمنان بیرونی اسلام همواره تلاش گسترده‌ای را برای دستیابی به این هدف دنبال کرده‌اند. آنها کوشیده‌اند بین جوامع گوناگون مسلمان، فاصله بیندازند، اختلافات مذهبی را بزرگ کنند، جنگ شیعه و سنی، و تضاد بین سنت‌گرایان و روشن‌فکران دینی و یا اشکال گوناگون دیگری از مرزبندی‌ها و رویارویی‌ها را به وجود بیاورند.

۸. شناخت ریشه‌های درونی تفرق و تشتت امت اسلامی

شهید مطهری پیرامون عوامل ایجاد تفرقه در امت اسلامی با اشاره به تبدیل خلافت اسلامی به سلطنت موروثی توسط خاندان اموی و بازگشت به ارزش‌های جاهلی، می‌نویسد:

«در قرن اول هجری اصول و داعیه‌های توحید و اسلام آن چنان آشکار و روشن به مردم ابلاغ گردید که تمام مردم متمدن آن روزگار با جان و وجدان خویش پذیرای آنها شدند و به زودی یک ملت مشترک یا «بین‌الملل اسلامی» به وجود آمد. ولی این وحدت به زودی به تفرقه بدل شد؛ چرا که سررشته‌داران آن زمان نخواستند یا نتوانستند مفاهیم واقعی داعیه‌های اسلامی را درک کنند، از نظام بین‌المللی اسلامی به عنوان یک امپراطوری و خلافت عربی برداشت شد و این مخالف صریح اصول اسلامی بود. به همین جهت، وحدت به دست آمده به زودی شکست خورد و به دنبال آن، تحولات و ضعف‌ها و انحرافات دیگر پدید آمد تا آن که مسلمین تدریجاً به خواب رفتند» (مطهری، ۱۳۸۳، ص ۴۱).

به هر حال، بازگشت به ارزش‌های جاهلی، ایجاد تفرقه و پراکندگی و نضج گرفتن آرا و افکار و جریان‌های فکری و کلامی مختلف و طرد ارزش‌های الهی و توحیدی، موجبات ضعف و انحطاط تدریجی جامعه و امت اسلامی را در پی داشت.

۹. ضرورت برخورد با تفرقه افکنان

یکی از راه‌های حفظ هم‌بستگی و تقویت آن، و زدودن موانع و مشکلات فرا روی اتحاد اسلامی، شناسایی و مبارزه با عواملی است که تلاش می‌کنند یک‌دلی و هماهنگی مردم شکل نگیرد.

یکی از این موانع که قرآن کریم خطر آن را به مسلمانان گوشزد کرده، خطر منافقان است. خداوند در آیات متعددی از چهره زشت اهل نفاق پرده برداشته و صفات نکوهیده آنان را به مردم می‌شناساند و می‌فرماید: «آنان می‌گویند به همراهان و هواداران رسول خدا ﷺ یاری نکنید تا از اطراف او پراکنده شوند». (منافقون/۷).

قرآن کریم با قاطعیت با منافقین و عوامل وحدت‌ستیز برخورد می‌کند؛ از جمله به رهبر مسلمانان دستور می‌دهد مسجد ضرار را که به عنوان مرکز تفرقه و اختلاف و توطئه ساخته شده است تخریب نماید و به صراحت توطئه‌های وحدت شکن منافقان را افشا نموده و می‌فرماید: «کسانی که مسجدی ساختند تا به وحدت مسلمانان ضرر بزنند و هم‌بستگی آنان را هدف گرفته‌اند، در آنجا کفر را تقویت نموده و میان مؤمنان تفرقه ایجاد می‌کنند تا پناهگاهی برای محاربان با خدا و رسول او باشد و برای پوشاندن انگیزه‌های شوم خود می‌گویند ما جز نیکی و خدمت نظر دیگری نداریم». (توبه/۱۰۷).

این گروه همواره بیشترین ضربه را به پیکر اسلام وارد کرده است. از این رو مسلمانان برای پیشبرد اهداف دین مقدس اسلام و دستیابی به اتحاد، باید از توطئه‌چینی و نقشه‌های شوم منافقان غافل نشوند.

امام علی علیه السلام که بزرگ‌ترین منادی وحدت در امت اسلام بود، همواره به مبارزه با تفرقه افکنان و کشتن آنان فرمان می‌داد: «ألا من دعا إلى هذا الشعار فاقتلوه ولو كان تحت عمامتي هذه...» دعوت‌کنندگان به تفرقه را بکشید، هر چند که خود را زیر عمامه من مخفی کرده باشند» (نهج البلاغه، خطبه ۱۲۷).

آن حضرت هم‌چنین ناخشنودی خود را از تفرقه این گونه بیان می‌دارد: «كرهتُ أن أفرق جماعة المسلمين» (مجلسی، بی تا، ص ۲۶۳).

۱۰. تلاش برای رفع موانع

متفکر شهید استاد مرتضی مطهری رحمته الله برای تحقق این هدف مقدس و بزرگ، محورهای سه‌گانه ذیل را به صورت راه حل ارائه می‌دهد:

الف) بررسی انواع توهمات و سوء تفاهماتی که دیگران درباره ما شیعیان و بالخصوص ایرانیان دارند؛

ب) بررسی انواع توهمات و سوء تفاهماتی که از این طرف نسبت به برادران غیر شیعی وجود دارد؛

ج) راه‌های عملی برای کاستن و از میان بردن سوء تفاهم‌ها:

این راه حل‌ها که دارای دوجنبه «فکری و علمی» و «عینی و عملی» می‌باشد باید به صورت تلاش و مجاهدت‌های خالصانه و مبتنی بر آزاداندیشی و تهی از هرگونه تعصب و ورزی‌های فاقد مبانی شرعی و عقلی و با در نظر گرفتن مصالح «جهان اسلام» و توطئه‌هایی که قدرت‌های جهانی و اقمار و عوامل پیدا و پنهان آنان علیه اتحاد و همبستگی مسلمین تدارک می‌بینند و روز به روز بر شدت آنها افزوده می‌شود و همه موجودیت اسلام و ملل و سرزمین‌های اسلامی را در معرض خطر اضمحلال قرار می‌دهد توسط عالمان اندیشمند و دلسوخته و درد آشنا از هر طرف و سایر نیروهای آگاه و بصیر و مسئول در همه ابعاد تحقق یابد.

۱۱. شناخت موانع ایجاد وحدت و برادری

یکی از راه کارهای تحقق اتحاد اسلامی، از میان برداشتن موانع تحقق آن است. عالمان دلسوز و مصلحان امت باید نخست موانع وحدت را به خوبی بشناسند و سپس با استفاده از شیوه‌های مناسب، مثل نصیحت‌گری، آگاهی بخشی و خویش‌داری، عوامل تفرقه را هدایت نموده و از سمپاشی و عوام‌فریبی باز دارند. همچنین وظیفه حکومت‌های اسلامی است که از طریق قانونی جلوی آنان را بگیرند و بر اعمال و رفتار آنان نظارت مستقیم داشته باشند.

شکی نیست که ضعیف شدن عوامل وحدت و برادری اسلامی موجب ضعیف شدن روحیه وحدت‌طلبی و برادری خواهد شد. بر این اساس، جهان اسلام اگر بخواهد به راه کارهای عملی وحدت و برادری دست یابد، به ناچار باید موانع آن را در جامعه شناسایی کند و با طرح و نقشه‌ای کارآمد، آنها را از بین ببرد تا بستر جامعه برای پذیرش یک‌پارچگی و یک‌دلی در عمل آماده گردد.

اما به طور کلی موانعی که بر سر راه اتحاد اسلامی و همبستگی مسلمانان و امت اسلامی وجود دارد دو دسته است: یا درونی است؛ یعنی عامل و سبب اصلی آن، برخی افکار، عقاید و اعمال تفرقه‌آمیز خود مسلمانان است، و یا بیرونی است که با برنامه‌ریزی، و طرح و نقشه دشمنان دین برای تضعیف مسلمانان صورت می‌گیرد.

الف) موانع درونی

موانع درونی وحدت که عامل آن خود مسلمانان هستند، متعدد است، که در این جا به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۱. تفکرات یکسویه و تنگ نظری‌ها و نگرش‌های سطحی و تحرکات و عملکردهای خطرناک ناشی از آن.

۲. عدم التزام عملی همه مسلمانان به تعالیم دین: برخی عوامل تاریخی باعث شد تا افکار و عقایدی در بین مسلمانان شکل بگیرد که نتیجه آن از بین رفتن جایگاه و منزلت تعالیم اصیل اسلامی مثل قرآن مجید و سنت پیامبر اسلام، و مقدم شدن افکار عادی و سنت‌های انسانی برخی از افراد در جوامع اسلامی نسبت به تعالیم اصیل اسلامی بود. به طور مثال، با این‌که قرآن کریم به صراحت همه مسلمانان و پیروان خود را به وحدت و اخوت اسلامی دعوت می‌کند ولی با این حال، گفته‌ها و شیوه عمل برخی از عالمان و فقها و محدثان که خود را تابع قرآن و سنت پیامبر می‌دانند به صورتی است که در واقع به نام دین تخم تفرقه و اختلاف می‌پراکنند و با قلم و بیان و عمل خود به این مسئله ضد قرآنی و خلاف سنت نبوی دامن می‌زنند، که می‌توان علت آن را بی‌توجهی، بی‌خردی، کج فهمی، استبداد رأی، بی‌مبالاتی نسبت به دستورات دین مبین اسلام، و یا امیال و اغراض نفسانی و حفظ موقعیت اجتماعی و سیاسی خود دانست.

این طیف از متظاهران به اسلام هر چه را که با اعتقادات و باورهای آنها هماهنگ نباشد، رد می‌کنند و قاتلان آن را با حربه تکفیر و لعن و تحقیر می‌رانند و از ملت اسلام بیرون می‌دانند. به عنوان مثال، «زمانی که ابن خلدون و امثال وی بگویند ما بر حقیق و به سنت عمل می‌کنیم و اهل بیت برباطل و مبتدع هستند و پیروانشان گمراه و از حق دور افتاده! راستی در این هنگام باید گفت: ای مرگ! بیا که زندگی ناپسند است و ای جان! خود را بباز که بودنت بیهوده است.» (حرعاملی، ۱۳۴۷ق، ص ۲۵۱).

آنان قبل از آن‌که به وحدت و تفاهم میان مسلمانان لطمه بزنند، چهره نورانی مکتب اسلام را در سطح بین‌الملل مخدوش می‌کنند و طبقه تحصیل کرده را نسبت به مکتب نورانی اسلام بدبین می‌سازند. بدیهی است هرگونه حرکت مشکوک که موجب تفرقه میان صفوف مسلمانان باشد به صلاح اسلام و مسلمین نیست و روح بلند نبی مکرم اسلام ﷺ و سلف صالح آن حضرت رنجیده خواهد شد؛ زیرا تمامی دشمنان اسلام بر نابودی اسلام و مسلمانان هم پیمان گشته‌اند و برای این امر، تمام امکانات سیاسی، اقتصادی و نظامی خود را در صحنه بین‌المللی به کار گرفته‌اند.

۳. نبود ارتباط علمی و دوستانه میان علما و متفکران اهل سنت و شیعه موجب شده تا آنان نسبت به دیدگاه‌ها و برداشت‌های یکدیگر در نحوه استخراج حکم از قرآن و سنت رسول خدا ﷺ شناخت و آگاهی لازم نداشته باشند، و این عوامل باعث شده تا بستر برای به وجود آمدن ابهامات و شک و شبهه نابه‌جا و در نهایت، قضاوت‌ها و نسبت‌های ناروا دادن به یکدیگر در جامعه فراهم آید، به گونه‌ای که برخی از علمای دوطرف در کتاب‌هایشان نقل قول‌هایی از دیدگاه‌های مذهب مقابل ذکر نموده‌اند که با واقعیت هیچ‌گونه هم‌خوانی ندارد و این عامل باعث طرح مباحث اختلافی در جامعه و عدم رعایت ادب و انصاف نسبت به عقاید، دیدگاه‌ها و مقدسات دینی یکدیگر می‌گردد. «آن چه شهرستانی درباره هشام نقل می‌کند که وی معتقد به خدایی علی علیه السلام بوده است... شأن هشام اجل از آن است... آیا گفته شهرستانی (در دقت هشام و اعتقاد به خدایی علی) تناقض واضح نیست؟» (عالمی، بی‌تا، ص ۵۱۲-۵۱۳).

۴. برخی اندیشمندان و علمای متعصب دو فرقه به جای آن‌که در اندیشه رفع گرفتاری مسلمانان باشند، با نوشتن مطالب تند و خصومت‌آمیز، به تضعیف اندیشه مقابل پرداخته‌اند و احساسات هواداران مذهب مقابل را جریحه‌دار نموده و آنان را وادار به نشان دادن عکس‌العمل نموده‌اند.

این دلایل باعث ایجاد و گسترش تفرقه و لجاجت در جامعه می‌شود. «با کمال تأسف مسلمانانی که به یک مبدأ (خدا) و یک عقیده (رسالت پیغمبر اسلام) اعتقاد دارند، مانند دشمنان و نادانان علیه یکدیگر به نبرد پرداخته‌اند، نبرد آنان در بحث‌های علمی به دشمنی و لجاجت کشیده شده است، ... اینها مصائبی است که صدها سال است ما را احاطه کرده و مسلمانان را از چپ و راست فشار می‌دهد. در مقابل این مصائب تکلیف ما چیست و چه باید کرد؟» (پیشین، ص ۱۷-۱۸).

گروهی دیگر از دانشمندان و علمای بزرگ دو فرقه ناامیدانه آیه یأس می‌خوانند و می‌پندارند که هرگز نمی‌توان این همه خصومت و لجاجت‌های جاهلانه و اختلافات عمیق مذهبی را برطرف ساخت و این ذهنیت‌های گوناگون را هم‌سو و هماهنگ نمود؛ حتی برخی از آنان معتقدند بحث از وحدت و برادری میان مذاهب جز تشدید فتنه‌ها و اظهار کینه‌های دیرین نتیجه دیگری ندارد، از این رو تنها باید به فکر دردهای حاضر جامعه اسلامی و در اندیشه جبران عقب ماندگی‌ها و ضعف‌های مسلمانان در جوانب مختلف زندگی در این دهکده جهانی بود. این نظریه باعث ایجاد یأس و ناامیدی نسبت به آینده دعوت اسلامی می‌گردد.

مواردی که نام برده شد از جمله مهم‌ترین موانع انسجام اسلامی و تحقق وحدت و برادری در

میان مسلمانان در وضعیت کنونی به شمار می‌رود، که می‌تواند مورد توجه ومبنای برنامه‌ریزی‌های نظری و عملی رهبران دینی و سیاسی و زمامداران کشورهای اسلامی قرار گیرد.

۵. یکی دیگر از راه‌های اتحاد امت اسلامی این است که هر یک از رهبران مذاهب و فرقه‌های اسلامی دیدگاه‌ها و نظرات خود را در برداشت از قرآن و سنت رسول خدا ﷺ در نشست‌های علمی و تحقیقی تبیین نمایند، سپس بر اصولی که صلاح دین اسلام و جوامع مسلمان در آنها است توافق کنند و همگان در عمل به آن متعهد شوند.

یکی از مهم‌ترین مشکلات پیروان مذاهب و فرقه اسلامی عدم شناخت نسبت به مذاهب و مکاتب یک‌دیگر و آگاه نبودن از نحوه برداشت و استخراج احکام و دیدگاه‌های علمای دو گروه در تمسک به قرآن و سنت رسول خدا ﷺ و ادله عقلیه است.

شهید مطهری در مورد خطر بزرگ سوءتفاهم‌های موجود بین مسلمانان چنین می‌نگارد: «حسن تفاهم یعنی یک‌دیگر را خوب فهمیدن و سوءتفاهم یعنی یک‌دیگر را بد فهمیدن. بدیهی است که خوب فهمیدن به این است که افراد یک‌دیگر را آن طور که هستند بفهمند و بد فهمیدن به این است که یک‌دیگر را آن طور که هستند نفهمند بلکه درباره یک‌دیگر دچار یک نوع توهمات می‌باشند... سوءتفاهم در هر موردی و نسبت به هر شخصی بد است، زیرا موجب گمراهی و ضلالت است.» (مطهری، یادداشت‌های استاد مطهری، ص ۲۰۳).

«یکی از ابتلائات مسلمین این است که گذشته از این که از لحاظ پاره‌ای معتقدات تفرق و تشتت پیدا کرده‌اند و مذاهب‌ها و فرقه‌ها در میان آنها پیدا شده است دچار سوءتفاهمات زیادی نسبت به یک‌دیگر می‌باشند؛ یعنی گذشته از پاره‌ای اختلافات عقیده‌ای، دچار توهمات بی‌جای بسیاری درباره یک‌دیگر می‌باشند. در گذشته و حاضر آتش افروزانی بوده و هستند که کوشش‌شان بر این بوده و هست که بر بدبینی‌های مسلمین نسبت به یک‌دیگر بیفزایند. تهدیدی که از ناحیه سوءتفاهمات بی‌جا و خوب درک نکردن یک‌دیگر متوجه مسلمین است بیش از آن است که از ناحیه خود اختلافات مذهبی متوجه آنها است.» (پیشین، ص ۲۰۴).

شهید مطهری در این عبارات، سه موضوع مهم را مورد مذاقه و نظر خاص قرار داده است:

۱. سوء تفاهم و خوب درک نکردن تفکر و دیدگاه یک‌دیگر و برداشت‌های نابه‌جا و ناصحیح از

کلام یک‌دیگر، یک «ابتلا» در میان مسلمین به شمار می‌رود.

چهل و ناآگاهی مسلمانان از مذاهب یک‌دیگر مشکل دیگری در راه وحدت است. مسلمانان نه تنها نسبت به مذهب خود تعصب دارند بلکه به دنبال مطالعه سایر مذاهب هم نمی‌روند.

اگر پیروان فرقه‌های اسلامی از ماهیت سایر مذاهب، آن چنان که بنیان‌گذاران حقیقی آنها بیان نموده‌اند، آگاهی کامل داشته باشند بدون تردید بسیاری از تعصبات و بدبینی‌ها از بین می‌رود.

در ریشه‌یابی علت‌های اصلی تفرقه بین مسلمین باید یکی از عوامل مهم را همین تعصب‌های جاهلانه یا مغرضانه دانست.

۲. در همه درگیری‌ها و اختلافات رد پای از عناصر فاسد و فتنه انگیز مشاهده می‌شود. این عناصر بر این که آتش تفرقه و تنازع شعله ورتر گردد و به همه جا سرایت کند و همه چیز را نابود سازد بسیار اصرار می‌ورزند و از هیچ کوششی برای اوج گیری تنش‌ها و اختلافات دریغ نمی‌کنند.

این افراد و گروه‌ها ضمن نفوذ در جمع طرف‌های مقابل، با سخن‌چینی، فریبکاری، و دروغ‌بافی‌هایشان نزاع و اختلافات را تشدید می‌نمایند.

این تحرکات زیان‌بار، بدبینی‌ها و سوءتفاهم‌هایی را که بین مسلمانان پیرو مذاهب اسلامی وجود دارد به اوج خود می‌رساند و همه راه‌های حسن تفاهم و رسیدن به وحدت و هم‌بستگی را مسدود می‌سازد.

۳. سوء تفاهم‌هایی که بین مسلمانان از هر دو مذهب وجود دارد در مقایسه با اختلافات مذهبی حاکم بر آنها بسیار خطرناک‌تر می‌باشد و از همین رو باید اولاً: سوءتفاهمات را ناچیز و بی‌اهمیت ندانست و از کنار آنها به سادگی عبور نکرد؛ ثانیاً: به همان ترتیب که برای رفع اختلافات مذهبی تلاش و فعالیت، یک ضرورت و مسئولیت مشترک بین مذاهب اسلامی است، مقابله با سوءتفاهم‌ها و برداشت‌های نادرست و خوب درک نکردن یک‌دیگر نیز باید با مراقبت و حساسیت بیشتری به مرحله عمل در آید.

شهید مطهری پس از بیان این نکته که تهدید ناشی از سوءتفاهم‌های بی‌جا به مراتب بیشتر از تهدید ناشی از اختلافات عقیدتی و مذهبی می‌باشد، دلیل این دیدگاه خاص را این‌گونه مطرح می‌نماید:

«مسلمانان از نظر اختلافات مذهبی طوری نیستند که نتوانند وحدت داشته باشند، نتوانند با یک‌دیگر برادر و مصداق «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ» (حجرات/۱۰) بوده باشند؛ زیرا خدایی که همه پرستش می‌کنند یکی است و همه می‌گویند: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ»؛ همه به رسالت محمد ﷺ ایمان دارند و نبوت را به او پایان یافته می‌دانند و دین او را خاتم ادیان می‌شناسند؛ همه قرآن را کتاب مقدس آسمانی خود

می‌دانند و آن را تلاوت می‌کنند و قانون اساسی همه مسلمین می‌شناسند؛ همه سوی یک قبله نماز می‌خوانند و یک بانگ به نام اذان بر می‌آورند؛ همه در یک ماه معین از سال که ماه رمضان است روزه می‌گیرند؛ همه روز فطر و اضحی را عید خود می‌شمارند؛ همه مراسم حج را مانند هم انجام می‌دهند و با هم در حرم خدا جمع می‌شوند و حتی همه خاندان نبوت را دوست می‌دارند و به آنها احترام می‌گذارند. اینها کافی است که دل‌های آنها را به یک‌دیگر پیوند دهد و احساسات برادری و اخوت اسلامی را در آنها برانگیزد. ولی... ولی امان از سوءتفاهمات، امان از توهمات و تصورات غلطی که فرق مختلف درباره یک‌دیگر دارند، و امان از عواملی که کاری جز تیره کردن روابط مسلمانان ندارند». (مطهری، یادداشت‌های استاد مطهری، ص ۲۰۴-۲۰۵).

علت این که خطر توهمات و تصورات غلط موجود بین مذاهب اسلامی بیشتر از خطر تهدیدی است که از جانب اختلافات عقیدتی، اصل وحدت و هم‌بستگی مسلمین را به خطر می‌اندازد، این است که نوع اختلافات مذهبی و عقیدتی ثابت است و همواره و در هر زمان محتوا و موضوعات آن نیز یکسان می‌باشد، اما سوءتفاهم‌ها و خوب درک نکردن یک‌دیگر همواره رو به تغییر و فزونی و تنوع است و به همین دلیل آتش تنازع و تفرقه و چنددستگی را شعله‌ورتر می‌گرداند و آسیب‌ها و زیان‌های آن بیشتر و خطرناک‌تر است. عوامل و عناصری که درصدد شدت بخشیدن به تشتت‌ها و جدایی‌ها می‌باشند نیز دریافته‌اند که برای دستیابی به هدف خویش، به اختلافات عقیدتی درباره اصل امامت و خلافت که همواره ثابت است و هرگز مانع تفریب و وحدت مذاهب نیست کاری نداشته باشند، بلکه سوءتفاهم‌های موجود را گسترش دهند و سعی کنند سوءتفاهم‌های جدید نیز به وجود بیاورند.

بنابراین باید برای رفع موانع اتحاد اسلامی سوءتفاهم‌ها و تصورات غلط موجود بین پیروان مذاهب اسلامی نسبت به یک‌دیگر را یک مانع بزرگ دانست و برای رفع آن چاره‌اندیشی نمود. استاد مطهری ضمن تأکید بر این نکته که همه اختلافات و موانع موجود در مسیر وحدت و هم‌بستگی مسلمین از نوع سوءتفاهم نیست و باید در جای خود بررسی گردد، معتقد است تفاهمات ناصحیح و تصورات غلط از یک‌دیگر از موانع و مشکلات بزرگ می‌باشد که به آن دامن زده می‌شود و توسط عوامل و عناصر ناسالم فزونی می‌یابد و به همین دلیل با اصرار فراوان اعلام می‌کند: «شکاف‌هایی که ناشی از خوب درک نکردن یک‌دیگر است باید از میان برود و مذاهب اسلامی باید یک‌دیگر را آن طور که هستند بشناسند و تصور کنند و تصورات دروغ و موهوم را از خود نسبت به برادران خود دور کنند.» (پیشین، ص ۲۰۵).

ب) موانع بیرونی

موانع بیرونی اتحاد و اقتدار جهان اسلام در جای خود خطرناک بوده و نیازمند چاره‌اندیشی و به تجربه گذاشتن شیوه‌های مقابله عملی است، هر چند در مقایسه با موانع درونی، از خطر کم‌تری برخوردار است.

در همه درگیری‌ها و اختلاف‌ها رد پای از عناصر فاسد و فتنه انگیز مشاهده می‌شود. این افراد و گروه‌ها در جمع طرف‌های مقابل نفوذ می‌کنند و پی‌درپی با سخن‌چینی‌ها، فریبکاری‌ها و دروغ‌بافی‌هایشان نزاع و اختلاف را شدت می‌بخشند.

موانع بیرونی زائیده اغواگری‌ها و نیرنگ افکنی‌ها و توطئه‌های پیدا و پنهان قدرت‌های استعماری جهان است که اتحاد و هم‌بستگی مسلمین را برای خود دردناک و تحمل ناپذیر می‌دانند و سعی می‌کنند با ایجاد تفرقه و اختلاف و منازعه در میان ملت‌های مسلمان جهان مانع تشکیل جبهه توحید و امت واحد اسلامی شوند.

دشمنان اسلام همواره به شیوه‌های گوناگون علیه اسلام طرح و نقشه می‌کشند؛ گاهی به صورت آشکار و با تجاوز نظامی و یا دخالت سیاسی، و گاهی نیز با نفوذ در صفوف ملت‌های اسلامی، از طریق ایادی خویش نقشه‌های شوم خود را اجرا می‌نمایند. در بسیاری موارد، دشمنان اسلام با استفاده از عوامل نفوذی که از راه مکر و حیله وارد شده، و در ظاهر به کسوت اسلام درآمده‌اند، سعی نموده‌اند از درون، صفوف امت اسلامی را تضعیف نمایند، تا آن‌جا که به شهادت تاریخ، اغلب فرقه‌های به ظاهر اسلامی را اجانب و استعمارگران به وجود آورده‌اند تا بهتر بتوانند مانع اتحاد ملت‌های اسلامی شوند.

گاهی نیز با برقراری ارتباط دوستانه با برخی از افراد مسلمان یا کشورهای اسلامی، از دوستی آنان بهره جسته و وارد بلاد اسلامی گردیده‌اند، سپس با استمداد از مهره‌های مرموز داخلی خود و به خدمت گرفتن آنان در جهت مطامع و مقاصد شوم خود، برای نابودی اسلام و مسلمانان اقدام نموده‌اند.

متأسفانه بعد از جنگ‌های صلیبی، استکبار جهانی بیشتر از این تاکتیک طبیعی بهره جسته است. آنها به تدریج در میان صفوف ملت‌های مسلمان نفوذ کرده و از یک سو با دامن زدن به اختلافات و پاشیدن تخم تفرقه میان امت اسلام و راه اندازی و شعله‌ور نمودن جنگ‌های داخلی بین مذاهب و فرقه‌های اسلامی، در صدد فاصله انداختن میان آنان بوده و از سوی دیگر با ایجاد تشکیک در اصل دخالت دین اسلام در سیاست و اداره جامعه و نشان دادن جنبه‌های منفی آن در مقابل جذاب نشان

دادن دین تحریف شده خود، به دنبال دین زدایی و بی‌ارزش جلوه دادن دین اسلام می‌باشند. هم‌چنین، برای این‌که از ملت اسلام، ملتی سست و ایستا بسازند و روح شهامت و شجاعت را در او بمیرانند، انواع وسایل سرگرم‌کننده و عوامل فساد و فحشا و مدهای لوس و زننده را در میان آنان رواج می‌دهند. از آن‌جا که استعمار به درستی پی برده بود چنان‌چه مسلمانان یک‌پارچه و یک‌جهت و نیرویی متشکل در برابر دشمنان اسلام باشند، هیچ‌گاه نخواهد توانست آنها را به بردگی گرفته و سرمایه‌های مادی و معنوی آنان را به غارت ببرد، با استفاده اصل «اختلاف بینداز و حکومت کن» یا «تفرقه بینداز تا در مقام ریاست باقی بمانی»، دنیای اسلام را تجزیه و تضعیف کرد و به بهانه‌های ناسیونالیستی، آنها را به جان هم انداخت تا به اهداف شوم و ضدانسانی خویش که محو نمودن دین اسلام و از بین بردن «وحدت و برادری اسلامی» بود، دست یابد و تا حدی هم در این کار موفق گردید. (مطهری، مجموعه آثار، ص ۲۶۶).

رهبر معظم انقلاب اسلامی، آیت الله خامنه‌ای در سال ۱۳۷۷ به مناسبت سالگرد شهادت شهید مطهری، طی بیاناتی پیرامون شخصیت آن استاد فرزانه و کوشش او در مسیر وحدت، می‌فرماید:

«عزیزان من! آن‌چه که امروز می‌تواند این جبهه را مستحکم بکند، جبهه ایمان و جبهه حق را، عبارت است از تمسک به وحدت کلمه در زیر سایه اسلام، و در زیر سایه حسین بن علی (علیه السلام)، در زیر سایه معارف عالیه اسلام، که شخصیت‌هایی مثل شهید مطهری آن را در کتاب‌های خود برای آگاهی مردم تبیین و تشریح کردند. تمسک به وحدت در پرتو این خورشیدهای فروزان، به فضل الهی این کشور را از این مرحله هم مثل مراحل گذشته خواهد گذارند و دشمن را ناکام خواهد کرد.» (ر.ک: پیرهادی، مرداد ۸۵، ص ۵۱).

بنابراین، ما نیز به دنبال تلاش مستمر عالمان راستین اسلام و منادیان وحدت هم‌چون شرف‌الدین عاملی، سید جمال‌الدین اسدآبادی، علامه امینی، آیت الله بروجردی، امام خمینی، شهید مطهری و رهبر معظم انقلاب، وظیفه داریم از اسلام و هویت فرهنگ اسلامی و عزت مسلمانان دفاع کنیم.

با توجه به وضعیت کنونی جهان اسلام و اقدامات استکبار جهانی برای تضعیف و نابودی اسلام و مسلمین، بر همه عاشقان اسلام و پیروان قرآن و پیامبر اسلام لازم است رهنمودهای ارزنده مقام معظم رهبری و مراجع و علمای جهان اسلام را سرلوحه کار خود قرار دهند و با هم‌بستگی و انسجام و برادری، و تشکیل امت واحده، به مقابله با برنامه‌های ضد اسلامی و ضد انسانی استکبار جهانی بر خیزند و عزت و اقتدار اسلام را به نمایش بگذارند، که طبق وعده الهی: «إِنْ تَصُرُّوا لِلَّهِ يَتَصَّرْكُمْ وَيُنَبِّئْكُمْ أَفْقَادَكُمْ» (محمد / ۷).

منابع و مأخذ:

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- بروجردی، مصطفی، گسترش و نوسازی تمدن اسلامی، عوامل و موانع، نشر فرهنگ، تهران، ۱۳۷۵.
- ۳- بطحایی، علی، مناظره‌ها: گفت‌وگوهایی در راه تفاهم و وحدت اسلامی، ترجمه: ذکراالله احمدی، نشر محب، مشهد، ۱۳۷۹.
- ۴- جوادی آملی، عبدالله، تفسیر تسنیم قرآن کریم، انتشارات اسراء، قم، چاپ اول، ۱۳۸۰.
- ۵- جوادی آملی، عبدالله، وحدت در نهج البلاغه، انتشارات اسراء، قم.
- ۶- حرعاملی، عبدالحسین شرف‌الدین، الفصول المهمة فی تألیف الامة، مطبعة العرفان، بیروت، ۱۳۴۷ ق.
- ۷- _____ المراجعات، بیروت، بی‌تا.
- ۸- _____ وسائل الشیعه، آل‌البيت، قم، ۱۴۰۹، ج ۱۴.
- ۹- حسینی، سید حسین، «نگاهی به راهبردهای ارزشی پیامبر در مسیر وحدت»، فصلنامه مشکوة، شماره ۶۰.
- ۱۰- حکیم، محمد باقر، وحدت اسلامی از دیدگاه قرآن و سنت، ترجمه: عبدالهادی فقیهی زاده، مؤسسه فرهنگی تبیان، تهران.
- ۱۱- صاحبی، محمد جواد، مصلحان مسلمان و اندیشه اتحاد، فصلنامه کیهان، ۱۳۸۲.
- ۱۲- صادقی اردستانی، مباحث عمیقی در جهت وحدت اسلامی، انتشارات حاذق، بی‌تا.
- ۱۳- صبحی صالح، نهج البلاغه، دارالهجرة، قم.
- ۱۴- طباطبایی، محمدحسین، تفسیر المیزان، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، قم، ۱۳۹۳.
- ۱۵- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، مؤسسه الوفاء، بیروت، ج ۲۳، بی‌تا.
- ۱۶- مطهری، مرتضی، آشنایی با قرآن، انتشارات صدرا، قم، ۱۳۷۸، ج ۳.
- ۱۷- _____ جامعه و تاریخ، انتشارات صدرا، قم، ۱۳۷۹.
- ۱۸- _____ خدمات متقابل اسلام در ایران، انتشارات صدرا، قم، ۱۳۸۳.
- ۱۹- _____ مجموعه آثار، ج ۳، انتشارات صدرا، قم، ۱۳۸۰، ج ۳.
- ۲۰- _____ یادداشت‌های استاد مطهری، انتشارات صدرا، قم، ج ۲.
- ۲۱- موثقی، سید احمد، استراتژی وحدت در اندیشه سیاسی اسلام، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۷۱.

۲۲- واعظ زاده خراسانی، محمد، پیام وحدت، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، چاپ اول،
۱۳۷۳.

۲۳- هم‌پستگی امت اسلامی، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، معاونت فرهنگی، تهران،
چاپ اول، ۱۳۷۹.

